

به نام خدا

# نقش بازی های آموزشی بر مهارت حل مسئله در دانش آموزان ابتدایی

مولفان:

عاطفه غفاری

ساناز بهاء‌الدینی

آزاده فقیهی سرشکی

بهمن قربانی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه : غفاری، عاطفه، ۱۳۶۴  
عنوان و نام پدیدآور : نقش بازی های آموزشی بر مهارت حل مسئله در دانش آموزان ابتدایی /  
مولفان عاطفه غفاری، ساناز بهاء‌الدینی، آزاده فقیهی سرشکی، بهمن قربانی.  
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.  
مشخصات ظاهری : ۱۰۲ ص.  
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۳۳۱-۰  
وضعیت فهرست نویسی : فیپا  
موضوع : دانش آموزان ابتدایی - بازی های آموزشی - مهارت حل مسئله  
شناسه افزوده : بهاء‌الدینی، ساناز، ۱۳۶۳  
شناسه افزوده : فقیهی سرشکی، آزاده، ۱۳۶۷  
شناسه افزوده : قربانی، بهمن، ۱۳۷۳  
رده بندی کنگره : TP۸۵۸  
رده بندی دیویی : ۵۵/۳۶۸  
شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۳۲۸  
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نام کتاب : نقش بازی های آموزشی بر مهارت حل مسئله در دانش آموزان ابتدایی  
مولفان : عاطفه غفاری - ساناز بهاء‌الدینی - آزاده فقیهی سرشکی - بهمن قربانی  
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۴  
چاپ : زیرجد  
قیمت : ۱۰۲۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان :  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۳۳۱-۰  
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



## فهرست

۷	پیشگفتار.....
۹	فصل اول:مقدمه.....
۱۶	نقش بازی و فعالیت‌های آموزشی برای تسهیل یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی.....
۱۹	اهمیت یادگیری در دوران ابتدایی:.....
۲۱	تعریف بازی و انواع آن:.....
۲۵	تاریخچه استفاده از بازی در آموزش:.....
۲۸	مبانی نظری یادگیری از طریق بازی:.....
۳۱	نظریات روانشناسان در زمینه یادگیری و بازی (پیاژه، ویگوتسکی، برونر):.....
۳۲	بازی و رشد شناختی کودکان:.....
۳۵	تأثیر بازی بر یادگیری مهارت‌های تحصیلی :.....
۳۷	بازی و یادگیری زبان و خواندن:.....
۳۸	بازی و تقویت مفاهیم ریاضی:.....
۳۹	بازی‌های خلاقانه برای درک مفاهیم علمی:.....
۴۳	فصل دوم:انواع بازی‌های آموزشی.....
۴۴	بازی‌های ساختاریافته و آزاد:.....
۴۵	بازی‌های گروهی و فردی:.....
۴۷	بازی‌های دیجیتال و فیزیکی:.....
۴۸	بازی به عنوان ابزار تقویت مهارت‌های حل مسئله:.....

۵۰	نقش بازی در توسعه تفکر انتقادی و خلاقیت:
۵۱	بازی و توانایی‌های تصمیم‌گیری و استدلال:
۵۳	نقش معلم در هدایت و استفاده از بازی‌های آموزشی:
۵۴	راهنمایی و نظارت بر بازی‌های آموزشی:
۵۶	انتخاب بازی‌های مناسب برای کلاس درس:
۵۷	ایجاد محیط مناسب برای یادگیری از طریق بازی:
<b>۵۹</b>	<b>فصل سوم: بازی و انگیزه در یادگیری</b>
۶۰	نقش بازی در ایجاد علاقه و اشتیاق به یادگیری:
۶۱	تقویت خودباوری و عزت نفس کودکان از طریق بازی:
۶۳	ارزیابی اثربخشی بازی در فرآیند یادگیری:
۶۵	روش‌های ارزیابی بازی‌های آموزشی:
۶۶	تاثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت بازی بر یادگیری:
۶۷	بررسی تجارب مدارس و معلمان در استفاده از بازی در کلاس درس:
۶۹	نتایج تحقیقات و مطالعات میدانی:
<b>۷۳</b>	<b>فصل چهارم: چالش‌ها و راهکارها در استفاده از بازی در آموزش</b>
۷۵	موانع فرهنگی و اجتماعی:
۷۹	راهکارهایی برای رفع این چالش‌ها:
۸۱	پیشنهادات برای معلمان و والدین:
۸۳	نحوه اجرای بازی‌های آموزشی در کلاس و خانه:
۸۴	بازی‌های مناسب برای گروه‌های سنی مختلف:

- ۸۹..... اهمیت و آینده نقش بازی در یادگیری کودکان:
- ۹۲..... توصیه‌های عملی برای استفاده از بازی به عنوان یک ابزار آموزشی:
- ۹۵..... نتیجه گیری:
- ۹۹ ..... منابع



## پیشگفتار

کودکی سرشار از بازی است و بازی، زبان نخستین یادگیری انسان. آنچه کودک در میدان بازی تجربه می‌کند، اغلب ماندگارتر و عمیق‌تر از دانشی است که تنها از طریق گفتار و نوشتار به او منتقل می‌شود. بازی نه فقط سرگرمی، که پلی است میان تخیل و واقعیت، میان تجربه و دانایی. در سال‌های نخست آموزش رسمی، جایی که ذهن کودک تازه با مفاهیم علمی و مهارت‌های زندگی روبه‌رو می‌شود، بازی می‌تواند به‌عنوان قدرتمندترین ابزار یادگیری عمل کند؛ ابزاری که درون آن، مهارت‌های اساسی زندگی همچون خلاقیت، تفکر انتقادی، همکاری و حل مسئله نهفته است.

مهارت حل مسئله، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین توانایی‌های قرن بیست‌ویکم، نیازمند پرورش از همان سال‌های ابتدایی زندگی تحصیلی است. کودکی که می‌آموزد در برابر یک چالش فکری یا یک وضعیت پیچیده چگونه اندیشه کند، راه‌حل بیابد و مسیر خود را اصلاح کند، بی‌گمان در آینده توانمندتر خواهد بود. بازی‌های آموزشی بستری زنده و پویا برای این یادگیری فراهم می‌آورند. در خلال بازی، کودک بی‌آنکه احساس اجبار کند، با مسئله‌ای مواجه می‌شود، مسیرهای گوناگون را می‌سنجد، آزمون و خطا می‌کند و در نهایت راه‌حلی مناسب می‌یابد. این فرایند همان چیزی است که روان‌شناسان آن را «یادگیری معنادار» می‌نامند.

مدرسه امروز، اگر بخواهد به رسالت واقعی خود یعنی پرورش انسان‌های خلاق و اندیشمند عمل کند، باید بازی را نه‌به‌عنوان تفریحی حاشیه‌ای، بلکه به‌عنوان روشی بنیادین در آموزش بپذیرد. بازی‌های آموزشی می‌توانند ریاضی را از صورت فرمول‌های خشک به تجربه‌ای ملموس بدل کنند، علوم را از چارچوب کتاب به کشف و آزمایش ببرند و مهارت‌های زبانی را در قالب گفت‌وگو و داستان‌سازی تقویت نمایند. افزون بر این، بازی بستر مناسبی برای آموزش کار گروهی، مدیریت هیجان‌ها و احترام به قواعد مشترک است؛ همه آنچه که در نهایت به تقویت مهارت حل مسئله کمک می‌کند.

این کتاب حاصل تلاشی است برای نشان دادن پیوند عمیق میان بازی‌های آموزشی و پرورش مهارت حل مسئله در دانش‌آموزان دوره ابتدایی. نویسنده کوشیده است با بهره‌گیری از یافته‌های علمی، تجربه‌های آموزشی و نمونه‌های عملی، روشن سازد که چگونه می‌توان با طراحی و اجرای درست بازی‌ها، آموزش را از شکلی یک‌سویه به فرآیندی لذت‌بخش و کارآمد تبدیل کرد.

امید است این اثر بتواند راهنمایی برای معلمان، مربیان، پژوهشگران و والدین باشد؛ آنان که باور دارند یادگیری تنها در صفحات کتاب خلاصه نمی‌شود، بلکه در لحظه‌های بازی، خنده، همکاری و کشف‌های کوچک کودکان نیز شکوفا می‌گردد. چه بسا فردای روشن آموزش از دل همین بازی‌های ساده اما هدفمند سر برآورد.

## فصل اول

### مقدمه

کودکی، فصلی است پر از جنب و جوش، کنجکاو و شوق تجربه کردن. در این فصل ناب، ذهن کودک همچون زمینی حاصلخیز است که هر بذر دانشی می‌تواند در آن جوانه بزند، اما شکل و شیوه کاشت این بذرها تعیین می‌کند که آیا درختی بارور خواهد شد یا نه. یکی از طبیعی‌ترین و مؤثرترین ابزارهای پرورش ذهن در این سال‌های آغازین، **بازی** است؛ زبانی جهانی که همه کودکان، فارغ از فرهنگ و جغرافیا، آن را می‌فهمند و با آن زندگی می‌کنند. بازی تنها وسیله‌ای برای سرگرمی نیست؛ بلکه پلی است میان دنیای تخیل و واقعیت، میان هیجان و اندیشه، میان کودک و جامعه.

نظام آموزشی در جهان امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند نگاهی تازه به بازی است. اگر روزگاری بازی تنها به‌عنوان بخشی فرعی در مدرسه تلقی می‌شد، امروز پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بازی نه تنها ابزاری برای تفریح، بلکه روشی بنیادین برای یادگیری است. درون هر بازی فرصتی نهفته است برای آزمون و خطا، برای مواجهه با مسئله، برای تصمیم‌گیری و برای تجربه نتیجه انتخاب‌ها. درست در همین فرآیند است که بذر **حل مسئله** در ذهن کودک کاشته می‌شود و به تدریج ریشه می‌گیرد.

مهارت حل مسئله، یکی از کلیدی‌ترین توانایی‌های انسان معاصر است. جامعه‌ای که پر از چالش‌ها، پیچیدگی‌ها و تصمیم‌های دشوار است، نیازمند شهروندانی است که بتوانند در برابر مشکلات، تنها نایستند و درمانده نشوند، بلکه اندیشه کنند، مسیرهای ممکن را بسنجند، راهی تازه بیابند و مسئولیت انتخاب خویش را بپذیرند. آغاز این توانایی از سال‌های ابتدایی آموزش رسمی شکل می‌گیرد. در همین سال‌هاست که ذهن کودک

می‌آموزد چگونه می‌توان از راه تفکر و خلاقیت، گرهی را گشود و چگونه می‌توان از شکست، پله‌ای برای موفقیت ساخت.

بازی‌های آموزشی بهترین میدان تمرین برای این یادگیری‌اند. کودک در خلال بازی، با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شود؛ گاهی باید راهی برای پیروزی تیمش بیابد، گاهی باید الگویی پنهان در میان کارت‌ها کشف کند، گاهی باید با همکاری دیگران پازل دشواری را کامل سازد. در هر یک از این تجربه‌ها، کودک می‌آموزد که راه‌حل همیشه آماده و یکسان نیست؛ باید جست‌وجو کرد، باید اندیشید، باید از خطا نیراسید و باید توان بازنگری در مسیر را داشت. این همان روح حل مسئله است.

از منظر روان‌شناسی رشد، بازی بستری طبیعی برای رشد شناختی و اجتماعی کودک فراهم می‌آورد. نظریه‌پردازانی چون پیاژه و ویگوتسکی بر این باور بودند که بازی نه تنها تفریحی کودکانه، بلکه سازوکاری بنیادین برای شکل‌گیری ساختارهای ذهنی و اجتماعی است. در بازی، کودک مهارت‌هایی چون توجه، حافظه، انعطاف‌پذیری شناختی و خودتنظیمی را تمرین می‌کند. افزون بر این، او در تعامل با دیگران، مهارت‌هایی چون همکاری، رعایت قواعد، حل تعارض و همدلی را نیز فرا می‌گیرد؛ مهارت‌هایی که همگی به طور مستقیم یا غیرمستقیم با توانایی حل مسئله در ارتباط‌اند.

در فضای مدرسه، بازی‌های آموزشی فرصتی می‌آفرینند که دانش‌آموزان در محیطی ایمن و شاد، آموخته‌های نظری خود را به تجربه‌های عملی پیوند بزنند. بازی ریاضی می‌تواند فرمول‌ها را از حالت خشک به تجربه‌ای ملموس بدل کند، بازی‌های علمی می‌تواند کنجکاوای کودک را به آزمایشگری سوق دهد، و بازی‌های زبانی می‌تواند مهارت ارتباطی او را تقویت نماید. مهم‌تر از همه، در هر یک از این بازی‌ها، کودک یاد می‌گیرد که چگونه می‌تواند از دانسته‌های خود برای حل یک چالش واقعی استفاده کند.

بازی همچنین زمینه‌ای برای پرورش خلاقیت است. هنگامی که کودک در برابر مسئله‌ای قرار می‌گیرد، می‌تواند چندین راه‌حل بیابد، راه‌های نو بیازماید و حتی قواعد بازی را بازتعریف کند. این آزادی و انعطاف، نه تنها لذت یادگیری را بیشتر می‌کند، بلکه ذهن

کودک را برای مواجهه با مسائل پیچیده‌تر زندگی آماده می‌سازد. از همین‌روست که بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند بازی آموزشی، کارگاه خلاقیت و حل مسئله برای نسل آینده است.

با این همه، نقش معلم در این فرآیند انکارناپذیر است. معلم نه‌تنها طراح بازی، بلکه هدایتگر یادگیری در خلال بازی است. اوست که با انتخاب هدفمند بازی‌ها، با مدیریت تعاملات گروهی، و با طرح پرسش‌های راهبردی، می‌تواند تجربه‌ای عمیق‌تر از حل مسئله برای دانش‌آموزان خلق کند. به بیان دیگر، بازی آموزشی بدون هدایت آگاهانه معلم، شاید تنها سرگرمی باشد؛ اما با هدایت درست، به ابزاری قدرتمند برای پرورش مهارت‌های شناختی و اجتماعی بدل می‌شود.

این کتاب تلاشی است برای بررسی این پیوند ارزشمند؛ پیوند میان بازی‌های آموزشی و پرورش مهارت حل مسئله در کودکان دوره ابتدایی. نویسنده کوشیده است با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی، نظریه‌های روان‌شناسی و تجربه‌های عملی معلمان، نشان دهد که چگونه می‌توان از بازی به‌عنوان ابزاری راهبردی در آموزش بهره برد. هدف این اثر، تنها تشویق به استفاده از بازی نیست، بلکه ارائه چارچوبی علمی و کاربردی است تا معلمان، مربیان و برنامه‌ریزان آموزشی بتوانند به‌گونه‌ای نظام‌مند از این روش بهره گیرند.

امید است این کتاب بتواند الهام‌بخش معلمانی باشد که باور دارند یادگیری باید با شادی و تجربه همراه شود؛ مربیانی که می‌دانند حل مسئله، مهارتی نیست که در صفحات کتاب‌ها یافت شود، بلکه در دل لحظه‌های بازی، در میان خنده‌های کودکانه و در چالش‌های کوچک و بزرگ شکل می‌گیرد. آینده آموزشی روشن خواهد بود اگر بیاموزیم که کودکان، از مسیر بازی‌های ساده اما هدفمند، چگونه می‌توانند راه‌حل‌سازان فردای جامعه باشند.

بازی و فعالیت‌های آموزشی در یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی نقشی حیاتی ایفا می‌کنند، زیرا این دوره از زندگی کودکان زمانی است که ذهن آن‌ها در بالاترین حد انعطاف‌پذیری

و پذیرش قرار دارد. این فعالیت‌ها، که اغلب در قالب بازی‌های تعاملی و تجربیات عملی ارائه می‌شوند، نه تنها مفاهیم آموزشی را به شکل ساده‌تر و قابل درک‌تری انتقال می‌دهند، بلکه به تقویت توانایی‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی کودکان کمک می‌کنند. هنگامی که کودکان از طریق بازی با یکدیگر تعامل دارند، مهارت‌های ارتباطی و همکاری در آن‌ها تقویت می‌شود و یاد می‌گیرند چگونه به‌عنوان بخشی از یک تیم عمل کنند. این مهارت‌ها برای موفقیت‌های بعدی در زندگی آن‌ها حیاتی است. بازی‌ها همچنین فرصتی برای تجربه یادگیری مستقل فراهم می‌آورند؛ به این صورت که کودکان می‌توانند از طریق آزمون و خطا و با کسب تجربه شخصی، مفاهیم را بهتر درک کنند. در عین حال، بازی‌ها اغلب با اهداف آموزشی خاص طراحی می‌شوند، به‌گونه‌ای که کودکان بدون احساس فشار یا اجبار، با مفاهیم جدید آشنا می‌شوند. این امر باعث می‌شود تا یادگیری به یک فعالیت لذت‌بخش تبدیل شود، نه وظیفه‌ای خسته‌کننده.

فعالیت‌های آموزشی نیز با ایجاد فرصت برای یادگیری چندحسی، مشارکت حواس مختلف را امکان‌پذیر می‌سازند و از این طریق حافظه دانش‌آموزان را تقویت می‌کنند. در چنین فعالیت‌هایی، یادگیری به‌صورت عمیق‌تری انجام می‌شود زیرا اطلاعات به‌طور هم‌زمان از طریق کانال‌های مختلف حسی پردازش می‌شوند. به‌علاوه، بازی‌ها به معلمان اجازه می‌دهند تا با مشاهده نحوه عملکرد دانش‌آموزان، نقاط قوت و ضعف آن‌ها را شناسایی کنند و برنامه‌های آموزشی را متناسب با نیازهای فردی آن‌ها تنظیم کنند. این روش به‌ویژه برای دانش‌آموزانی که سبک‌های یادگیری متفاوتی دارند، مفید است و محیطی را فراهم می‌کند که در آن هر دانش‌آموز بتواند به بهترین شکل ممکن پیشرفت کند.

بازی‌های آموزشی همچنین تأثیر مثبتی بر سلامت روانی کودکان دارند. هنگامی که کودکان در محیطی پرانرژی و بدون استرس بازی می‌کنند، ترشح هورمون‌های شادی‌آور مانند اندورفین افزایش می‌یابد و این امر به بهبود روحیه و کاهش اضطراب کمک می‌کند. علاوه بر این، بازی‌ها فرصتی برای تخلیه انرژی فیزیکی فراهم می‌کنند که می‌تواند منجر به بهبود تمرکز و توجه کودکان در طول زمان شود. این فعالیت‌ها همچنین انگیزه درونی

کودکان را برای یادگیری تقویت می‌کنند، زیرا آن‌ها به دنبال تجربه‌های موفقیت‌آمیز در بازی هستند. این موفقیت‌ها حس اعتماد به نفس و خودکارآمدی را در دانش‌آموزان تقویت می‌کنند و آن‌ها را برای چالش‌های پیچیده‌تر آماده می‌سازند.

در کنار این مزایا، بازی‌ها همچنین می‌توانند به تقویت خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان کمک کنند. از طریق بازی، کودکان فرصت دارند تا خارج از چارچوب‌های سنتی فکر کنند و راه‌حل‌های جدیدی برای مشکلات پیدا کنند. این نوع تفکر، مهارتی است که در دنیای امروز ارزش فراوانی دارد و از همان سنین پایین باید پرورش یابد. علاوه بر این، بازی‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا مهارت‌های حرکتی خود را بهبود بخشند. فعالیت‌هایی که شامل حرکت‌های بدنی هستند، هماهنگی بین ذهن و بدن را تقویت می‌کنند و باعث می‌شوند کودکان در کنترل و استفاده از بدن خود مهارت بیشتری کسب کنند.

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد بازی‌ها و فعالیت‌های آموزشی این است که آن‌ها می‌توانند مفاهیم پیچیده را به شیوه‌ای ساده و ملموس برای کودکان توضیح دهند. برای مثال، مفاهیم انتزاعی مانند عدد، زمان، یا فضا از طریق بازی‌های تعاملی به راحتی قابل درک می‌شوند. این فرآیند به کودکان کمک می‌کند تا ارتباط بهتری بین مفاهیم تئوری و تجربیات واقعی برقرار کنند. به علاوه، بازی‌ها محیطی فراهم می‌آورند که در آن دانش‌آموزان به طور مداوم بازخورد دریافت می‌کنند، چه از طریق معلمان و چه از طریق نتیجه مستقیم بازی. این بازخورد به آن‌ها کمک می‌کند تا اشتباهات خود را شناسایی و اصلاح کنند و از آن‌ها درس بگیرند.

در نهایت، استفاده از بازی و فعالیت‌های آموزشی نه تنها یک روش مؤثر برای تدریس است، بلکه به ایجاد خاطرات مثبت و انگیزه برای ادامه یادگیری نیز کمک می‌کند. دانش‌آموزانی که از طریق بازی و فعالیت‌های آموزشی یاد می‌گیرند، معمولاً نگرش مثبت‌تری نسبت به مدرسه و فرآیند یادگیری پیدا می‌کنند. این نگرش مثبت پایه‌ای قوی برای موفقیت‌های تحصیلی و شخصی آن‌ها در آینده فراهم می‌آورد. بنابراین، بهره‌گیری از

بازی و فعالیت‌های آموزشی باید به‌عنوان یکی از اصول اساسی در برنامه‌های درسی مدارس ابتدایی در نظر گرفته شود تا بتوان به بهترین نحو از این ابزارهای ارزشمند در جهت رشد و توسعه کودکان استفاده کرد.

در جهان امروز، یادگیری به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای پیشرفت و توسعه فردی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. از اولین روزهای زندگی انسان، فرایند یادگیری آغاز می‌شود و به تدریج رشد و تکامل فرد را شکل می‌دهد. اما در این میان، یادگیری در دوران ابتدایی، یعنی سال‌های اولیه آموزش رسمی، جایگاه ویژه‌ای دارد. این دوران به دلیل حساسیت بالای آن در شکل‌گیری شخصیت، تفکر و رفتار فرد، به عنوان یکی از مهم‌ترین مراحل در مسیر تحصیلی و حتی زندگی فرد محسوب می‌شود (شریفی، ل.، و محمودی، ج. ۱۴۰۱).

دوران ابتدایی اولین گام رسمی کودک در مسیر یادگیری ساختار یافته و نظام‌مند است. در این سال‌ها، کودکان برای اولین بار با مفاهیم علمی، مهارت‌های اجتماعی و رفتاری آشنا می‌شوند. این دوران به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد روانشناختی و شناختی کودکان در این سنین، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یادگیری در این دوره نه تنها به پیشرفت تحصیلی کمک می‌کند، بلکه به عنوان زیربنای رشد شخصیتی و اجتماعی کودکان نیز عمل می‌کند. یادگیری در دوران ابتدایی به شدت تحت تأثیر محیط قرار دارد. محیط خانه، مدرسه و جامعه هر یک نقش ویژه‌ای در فرایند یادگیری کودکان ایفا می‌کنند. خانواده به عنوان اولین معلم کودک، نقش محوری در فراهم‌سازی محیطی حمایتگر و انگیزشی برای یادگیری دارد. از سوی دیگر، مدرسه به عنوان نهاد رسمی آموزشی، وظیفه دارد فضایی فراهم کند که کودک بتواند با علاقه و انگیزه به یادگیری بپردازد. همچنین جامعه نیز با فراهم کردن فرصت‌های مختلف برای تجربه‌های متنوع یادگیری، به کودکان کمک می‌کند تا درک بهتری از جهان پیرامون خود پیدا کنند (حسن‌زاده، م. ۱۳۹۸).

با وجود اهمیت بالای یادگیری در دوران ابتدایی، این فرایند با چالش‌های زیادی همراه است. برخی از کودکان ممکن است با مشکلاتی مانند اضطراب، مشکلات یادگیری و یا

مشکلات خانوادگی مواجه باشند که می‌تواند فرایند یادگیری آن‌ها را مختل کند. از طرفی دیگر، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی نیز ممکن است مانع دسترسی برابر همه کودکان به آموزش با کیفیت شود. این چالش‌ها نیازمند توجه ویژه والدین، معلمان و سیاست‌گذاران است تا بتوانند با فراهم‌سازی محیط مناسب، تمامی کودکان را در مسیر یادگیری موفقیت‌آمیز قرار دهند. تحقیقات نشان داده است که کودکانی که در دوران ابتدایی یادگیری موفق و مثبتی را تجربه می‌کنند، در مراحل بعدی زندگی خود نیز عملکرد بهتری خواهند داشت. این کودکان نه تنها در زمینه‌های تحصیلی موفق‌تر خواهند بود، بلکه در زندگی شخصی و اجتماعی خود نیز اعتماد به نفس بیشتری خواهند داشت. همچنین، کودکانی که در این دوران مهارت‌های حل مسئله، تفکر خلاقانه و مهارت‌های اجتماعی را به خوبی یاد می‌گیرند، در مواجهه با چالش‌های زندگی بزرگسالی بهتر عمل خواهند کرد. (کیانی، م. ۱۳۹۷)

یکی از جنبه‌های مهم یادگیری در دوران ابتدایی، توجه به سلامت روانی کودکان است. کودکان در این سنین با تغییرات بسیاری در زندگی خود مواجه می‌شوند که می‌تواند استرس و اضطراب ایجاد کند. فراهم کردن محیطی حمایتگر و دوستانه در مدرسه و خانه می‌تواند به کودکان کمک کند تا با این تغییرات بهتر کنار بیایند و بر روی یادگیری خود تمرکز کنند. همچنین، معلمان و والدین باید به نشانه‌های اضطراب و مشکلات روانی در کودکان توجه کرده و در صورت لزوم از مشاوره و حمایت تخصصی بهره بگیرند (اکبری، م. ۱۴۰۰). والدین نیز نقشی اساسی در یادگیری کودکان ابتدایی دارند. آن‌ها باید با معلمان همکاری کنند و محیطی پر از عشق، حمایت و انگیزه برای یادگیری در خانه فراهم کنند. ایجاد زمان‌های مشترک برای یادگیری و انجام فعالیت‌های تعاملی مانند بازی‌ها و پروژه‌های خانگی می‌تواند تأثیر زیادی در تقویت علاقه کودک به یادگیری داشته باشد. همچنین والدین می‌توانند با ایجاد فضای گفتگو و بازخورد مثبت، به کودک در رشد شخصی و تحصیلی کمک کنند. با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژی و تغییرات در روش‌های آموزش، انتظار می‌رود که یادگیری در دوران ابتدایی نیز دچار تحولات بزرگی شود. از